

نقد و بررسی شرایط و آثار قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۹۸

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۱۲/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۲/۱۳

سیده فاطمه مهدی پور^۱

مهین سبحانی^۲

رضا مقصودی پاشاکی^۳

چکیده

تبعیض در اعطای تابعیت از طریق نسب پدری و مادری در نظام حقوقی ایران منجر به چالشی برای تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی شده است. حضری بودن بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی در پذیرش نسب پدری، و تنظیم مبهم بند ۴ همین ماده این سؤال را ایجاد کرده است که آیا فرزندان متولد از مادران ایرانی می‌توانند تابعیت اصلی ایرانی داشته باشند؟ به دلیل کاستی‌های ماده واحده مصوب ۱۳۸۵ جهت اعطای تابعیت به این فرزندان، در سال ۱۳۹۸ قانون اصلاح ماده واحده به تصویب رسید. نگارندگان این مقاله با بررسی توصیفی-تحلیلی ماده واحده مصوب ۱۳۹۸ به این نتیجه می‌رسند که گرچه قانون اعطای تابعیت اکتسابی به فرزندان متولد از مادر ایرانی و پدر خارجی را بدون توجه به ملاحظات راجع به تابعیت مضاعف تسهیل می‌نماید، اما بر اساس بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی همچنان مصادیق اعطای تابعیت اصلی شامل مواردی می‌شود که فرزند متولد از مادر ایرانی از آن محروم است. همچنین قانون‌گذار تعلق تابعیت اکتسابی به این فرزندان را به شرایطی از جمله فقدان مشکل امنیتی منوط نموده است. قانون‌گذار با تأکید بر شرط ازدواج شرعی والدین، الزامات قانونی ازدواج با اتباع بیگانه را بدون ضمانت اجرای حقوقی رها کرده، و این درحالی است که آیین‌نامه آن را به ازدواج‌های شرعی قبل از اجرای قانون محدود نموده است. همچنین تبصره ۲ ماده واحده به‌طور کلی برای اشخاص بدون تابعیت و متولد ایران از پدر و مادری که یکی از آن‌ها در ایران متولد شده باشد، امکان تابعیت ایرانی را فراهم کرده است.

واژگان کلیدی: تابعیت اصلی، تابعیت اکتسابی، معیار خون، نسب پدری، نسب مادری.

s.fateme.mahdipour@gmail.com
m_sobhani@guilan.ac.ir
rmaghsoody@guilan.ac.ir

۱. کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه گیلان، ایران
۲. استادیار دانشگاه گیلان، ایران (نویسنده مسئول)
۳. دانشیار دانشگاه گیلان، ایران

مقدمه

گرچه قانون‌گذاران در گذشته بر این اعتقاد بودند که همان‌گونه که نسب از پدر به فرزند منتقل می‌شود، تابعیت هم تنها از سوی پدر منتقل می‌گردد و زنان هیچ‌گونه حقی در انتقال و انتساب تابعیت به فرزندان ندارند، اما همگام با پویس‌های برابری جنسیتی به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم، به‌موجب قوانین اکثر کشورها تابعیت مادران نیز همچون پدران به فرزندان منتقل می‌شود.

با وجود این، ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران که ماده کلیدی در اعطای تابعیت ایران است، همچنان بدون هیچ تغییری از زمان تصویب (۱۳۰۸) باقی مانده است. آنچه در بند ۲ ماده یادشده جلب توجه می‌کند اشاره صرف به انتقال تابعیت از طریق نسب پدری است. اشاره به جایگاه نسب مادری در بندهای ۳ و ۴ آن هم نه در راستای تسهیل انتقال تابعیت از طریق مادر ایرانی، بلکه محدود به مادر خارجی و یا مادر نامعلوم است؛ امری که به نتایج متناقض اجرای این بندها منجر می‌شود. به‌منظور حل این مشکل ماده واحده‌ای در سال ۱۳۸۵ به تصویب رسید که خود نیز دارای مشکلات بسیاری بود. پس از احراز مشکلات پیش رو^۴، سرانجام در سال ۱۳۹۸ قانون اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی به تصویب رسید. به‌موجب این ماده واحده:

«فرزندان حاصل از ازدواج شرعی زنان ایرانی با مردان غیرایرانی که قبل یا بعد از تصویب این قانون متولد شده یا می‌شوند قبل از رسیدن به سن هجده سال تمام شمسی به

۴. مهم‌ترین و اساسی‌ترین ایراد وارده به ماده واحده، عدم تعیین تکلیف فرزندان مشمول زیر ۱۸ سال است. داشتن شناسنامه، برخورداری از حق تحصیل و رفتن به مدرسه، داشتن یارانه و سایر امتیازات جامعه ایرانی از جمله حوایجی است که باید پیش از رسیدن به ۱۸ سال تمام تأمین شود. برای اطلاع از ایرادهای وارده به ماده واحده ۱۳۸۵، ر.ک. سید حسن، وحدتی شبیری و زهره افشار قوچانی، «تعیین وضعیت حقوقی فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ش ۴ (۱۳۹۳)، ص ۱۶۴؛ سلیمان، فدوی، «نقدی بر قانون ماده واحده تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۸۵/۷/۲»، ماهنامه کانون سردفتران و دفتریاران، سال ۴۸، ش ۶۷ (۱۳۸۵).

- تنها حمایت این قانون معاف بودن افراد موضوع این قانون از شرط «پنج سال سکونت در ایران اعم از متوالی یا متناوب» می‌باشد. فاطمه، بداعی و عاطفه، عباسی، «حق تابعیت اطفال حاصل از ازدواج زنان ایرانی و مرد خارجی»، فصلنامه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، ش ۵۱ (۱۳۸۸)، ص ۱۰۱.

درخواست مادر ایرانی در صورت نداشتن مشکل امنیتی (به تشخیص وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) به تابعیت ایران درمی‌آیند. فرزندان مذکور پس از رسیدن به سن هجده سال تمام شمسی در صورت عدم تقاضای مادر ایرانی می‌توانند تابعیت ایران را تقاضا کنند که در صورت نداشتن مشکل امنیتی (به تشخیص وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند. پاسخ استعلام امنیتی باید حداکثر ظرف مدت سه ماه انجام شود و نیروی انتظامی نیز مکلف است نسبت به صدور پروانه اقامت برای پدر غیرایرانی در صورت نداشتن مشکل امنیتی (به تشخیص وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) اقدام کند.

تبصره ۱- در صورتی که پدر و یا مادر متقاضی در قید حیات نبوده و یا در دسترس نباشند، در صورت ابهام در احراز نسب متقاضی، احراز نسب با دادگاه صالح می‌باشد.

تبصره ۲- افراد فاقد تابعیتی که خود و حداقل یکی از والدین‌شان در ایران متولد شده باشند، می‌توانند پس از رسیدن به سن هجده سال تمام شمسی، تابعیت ایرانی را تقاضا کنند که در صورت نداشتن سوء پیشینه کیفری و نیز نداشتن مشکل امنیتی (به تشخیص وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند».

این ماده واحده سؤالات و چالش‌هایی را ایجاد می‌کند. اول اینکه شرایط اعطای تابعیت در این ماده واحده چیست؟ دامنه اختیارات نهادهای امنیتی در احراز فقدان مشکل امنیتی به چه میزان است؟ در صورت موافقت با تابعیت این فرزندان، این تابعیت از نوع تابعیت اصلی است یا اکتسابی؟ اثر ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی با عنایت به استثنای مندرج در ماده ۹۸۷ قانون مدنی، در انتقال تابعیت از مادر به فرزندان چیست؟

با توجه به پرسش‌های پیش رو، نگارندگان این مقاله در صدد بررسی شرایط و آثار اعطای تابعیت به موجب ماده واحده جدید هستند. بنابراین مقاله حاضر ابتدا به مطالعه شرایط و سپس به بررسی آثار تابعیتی ماده واحده و تبصره‌های آن خواهد پرداخت.

۲. شرایط اعطای تابعیت ماده واحده مصوب ۱۳۹۸

به موجب ماده واحده مصوب ۱۳۹۸ شرایطی برای اعطای تابعیت به فرزندان حاصل از

ازدواج مادر ایرانی با پدر خارجی مقرر شده است که در صورت دارا بودن تمام این شرایط، فرزند می‌تواند تابعیت ایرانی را به‌دست آورد.

۲.۱. در نظر گرفتن «ازدواج شرعی» به جای «ازدواج قانونی»

بهموجب ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی: «ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه در مواردی هم مانع قانونی ندارد موقوف به اجازه مخصوص از طرف دولت است». بر همین اساس، آیین‌نامه صدور پروانه زناشویی بانوان ایرانی با اتباع بیگانه غیرایرانی در سال ۱۳۴۵ شرایط اخذ پروانه اجازه زناشویی را مشخص کرده است. بهموجب ماده ۲ آیین‌نامه، برای صدور پروانه، درخواست‌نامه مرد و زن مبنی بر تقاضای صدور پروانه، گواهی‌نامه از مرجع رسمی کشور متبوع مرد مبنی بر بلامانع بودن ازدواج با زن ایرانی و به رسمیت شناختن ازدواج در کشور متبوع مرد، استشهادیه تشریف به دین اسلام در صورت غیرمسلمان بودن مرد و مدارک دیگری در صورت تقاضای زن لازم است.

ضرورت پرداختن به این پرسش در این است که اکثر ازدواج‌های صورت‌گرفته بین زنان ایرانی و مردان خارجی در ایران با پناهندگان و مهاجران غیرقانونی از کشورهای افغانستان و عراق صورت می‌گیرد؛ مهاجرانی که به دلایل متعدد از جمله غیرقانونی بودن اقامت در ایران، عدم اطلاع از قوانین، و نداشتن مدارک لازم قادر به اخذ پروانه زناشویی نیستند. در عمل، تنها معدودی از ازدواج‌های بین زنان ایرانی و مردان خارجی در ایران با اخذ مجوز از وزارت کشور بوده است. بنابراین اکثر ازدواج‌ها از جنس ازدواج‌های شرعی هستند که با مراجعه به روحانی محل و در قالب‌های موقت (با مدت طولانی) انعقاد یافته‌اند.^۵

در خصوص اعتبار ازدواج بین زن ایرانی با مرد خارجی بدون اجازه مخصوص از طرف دولت، بین حقوق‌دانان اختلاف نظر وجود دارد. برخی بر این اعتقادند که ازدواج بدون پروانه مخصوص نافذ است و دولت نمی‌تواند آن را ابطال کند، زیرا قانون نبودن اجازه را مانع نکاح به‌شمار نیاورده و ظاهراً آن را امری جدا از شرایط و موانع نکاح دانسته است.^۶ در مقابل،

۵. ستار، عزیز و بیژن، حاجی عزیزی، «بررسی جایگاه مادر ایرانی در انتقال تابعیت به طفل: نقدی بر ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران و ماده واحده سال ۱۳۸۵»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۵۶ (۱۳۹۰)، صص ۳۴۵-۳۴۶.
۶. حسین، صفایی و اسدالله، امامی، مختصر حقوق خانواده، (تهران: میزان، چ ۲۵، ۱۳۹۲)، صص ۹۷-۹۸.

برخی ضمانت اجرای ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی را عدم نفوذ این ازدواج دانسته‌اند.^۷ به نظر می‌رسد که استدلال دسته اول با توجه به نص قانون مدنی و تلاش برای حفظ بنیان خانواده با منطق حقوقی سازگاری بیشتری داشته باشد. با وجود این، مشخص است که این ازدواج‌ها علی‌رغم صحت آن‌ها، بدون مجوز دولت قابل ثبت در دفاتر ازدواج نیستند. در واقع، باید بین مسئله ثبت ازدواج و صحت آن تفکیک قائل شد.

به موجب صدر ماده واحده مصوب ۱۳۹۸، صرف ازدواج شرعی بین زن ایرانی و مرد خارجی جهت اعطای تابعیت به فرزند حاصل از این ازدواج کفایت می‌نماید. بنابراین تمام مباحث درباره صحت و آثار چنین ازدواجی کنار گذاشته می‌شود. اما پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که با قائل شدن به چنین آثاری برای یک ازدواج شرعی، دیگر چه نیازی به ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی وجود دارد؟ آیا تصویب این ماده واحده به معنای نسخ ضمنی ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی نیست؟

اگر پاسخ به سؤال اخیر منفی باشد و همچنان برای ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی نیاز به چنین مجوزی وجود داشته باشد، مشکلات حقوقی دیگری نیز پدیدار خواهد شد. درست است که قانون‌گذار برای اعطای تابعیت به فرزندان حاصل از این ازدواج، شرط رعایت ماده ۱۰۶۰ را کنار گذاشته، اما باید این ماده را در کنار ماده ۹۸۷ قانون مدنی قرار داد. ماده ۹۸۷ با رعایت ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی به جریان می‌افتد. به موجب ماده نامبرده: «زن ایرانی که با تبعه خارجه مزاجت می‌نماید به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر اینکه مطابق قانون مملکت زوج، تابعیت شوهر به واسطه وقوع عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود...».

به موجب ماده ۹۸۷ قانون مدنی که در تعارض با بند ۱ ماده ۹ کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان است، ازدواج با مرد خارجی می‌تواند تحت شرایطی منجر به تغییر اجباری تابعیت زن شود. این تغییر اجباری به قانون دولت متبوع شوهر خارجی بستگی دارد. اگر قانون دولت متبوع شوهر خارجی قانونی مانند قانون ایران باشد، زن ایرانی که با مجوز وزارت کشور به ازدواج مرد خارجی درآمده است، بعد از ازدواج تابعیت ایرانی خود را ازدست خواهد داد و در

۷. ناصر، کاتوزیان، دوره حقوق مدنی: خانواده، ج ۱، (تهران: میزان، چ ۴، ۱۳۹۴)، ص ۱۲۴.

نتیجه، فرزند متولدشده از این ازدواج شرایط مقرر در ماده واحده مصوب ۱۳۹۸ را نخواهد داشت. برای مثال، طبق قانون قدیم تابعیت افغانستان^۸، مانند قانون ایران، ازدواج با مرد افغان به تحمیل تابعیت افغانستان بر زن خارجی منجر می‌شد. بنابراین اگر زن ایرانی با یک مرد افغان با کسب پروانه ازدواج ماده ۱۰۶۰ ازدواج می‌نمود، این ازدواج به سلب تابعیت ایرانی وی می‌انجامید^۹. نتیجه اینکه با حفظ ماده ۹۸۷ قانون مدنی برای آن دسته از زنان که ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی را رعایت کرده‌اند امکان محرومیت فرزندانشان از مزایای ماده واحده وجود دارد، اما برای آن دسته از زنانی که صرفاً ازدواج شرعی نموده‌اند، امکان بهره‌مندی از ماده واحده وجود دارد. در واقع، با حفظ ماده ۹۸۷ قانون مدنی نتایج متناقضی برای فرزندان حاصل از ازدواج قانونی زن ایرانی با مرد خارجی ایجاد می‌شود.

به‌منظور حل این مشکل لازم است که با توجه به تحولات قوانین تابعیتی کشورها برای رفع تبعیض علیه زنان و حمایت از زنان ایرانی، ماده ۹۸۷ قانون مدنی اصلاح شود. زیرا تابعیت یک رابط حقوق عمومی است که بین دولت و اشخاص وجود دارد و نباید روابط خصوصی اشخاص به تغییر این حق عمومی بدون لحاظ رضایت شخص نسبت به آن منجر شود؛ امری که در تغییرات جدید قانون تابعیت افغانستان هم به چشم می‌خورد.

انتقاد دیگر اینکه گرچه قید ازدواج شرعی موجبات سامان گرفتن وضعیت تابعیت و تبعات پس از آن برای خیل عظیمی از فرزندان بلاتکلیف حاصل از ازدواج شرعی را فراهم می‌آورد، اما این امر موجبات افزایش ازدواج شرعی اتباع بیگانه با زنان ایرانی را هم مهیا می‌سازد. اگر یک شهروند خارجی بداند که بدون داشتن مجوز ازدواج و به صرف یک برگه صیغه‌نامه می‌تواند علاوه بر ازدواج با زن ایرانی، برای خود پروانه اقامت اخذ کند و برای فرزند خود نیز شناسنامه بگیرد، دیگر رغبتی برای انجام فرایند قانونی ازدواج با زنان ایرانی

۸. به‌موجب ماده ۱۸ قانون جدید تابعیت افغانستان: «هرگاه تبعه خارجی با تبعه جمهوری افغانستان مطابق شریعت اسلام ازدواج نماید با رعایت حکم ماده هفتم این قانون بعد از تقدیم درخواست تحریری مبنی بر مطالبه تابعیت افغانی تابعیت وی بدون نظرداشت موعد پذیرفته شده می‌تواند». در نتیجه، افغانستان هم با اصلاحات جدیدی که در قانون تابعیت خود به عمل آورده است، تحمیل تابعیت در اثر ازدواج را نمی‌پذیرد.

۹. منوچهر، توسلی نائینی، «تأملی بر وضعیت کودکان حاصل از ازدواج مردان خارجی با زنان ایرانی با نگاهی به کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹»، پژوهشنامه حقوقی، ش ۱ (۱۳۹۰)، ص ۴۴.

نخواهد داشت. از سویی، دیگر موضوعیتی برای ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی باقی نمی‌ماند، درحالی که مطابق ماده ۵۲ قانون حمایت از خانواده، عدم ثبت واقعه ازدواج مطابق ماده ۵۲ جرم بوده، مستوجب مجازات است. در ضمن چون ازدواج شرعی می‌تواند شامل ازدواج بدون رعایت تشریفات قانونی و ثبتی باشد، احراز انتساب قطعی فرزندان به این افراد ممکن نیست و احتمال دارد افراد به صورت غیرقانونی برای تعدادی غیر از فرزندان خودشان، تابعیت کسب کنند. بنابراین صرف ازدواج شرعی و عدم الزام تبعه بیگانه به ثبت ازدواج، با مصالح و نظم عمومی کشور نیز مغایرت دارد^{۱۰}.

با وجود ایرادهای وارده، از آنجا که هدف اولیه ماده واحده حل مشکل فرزندان حاصل از ازدواج شرعی زنان ایرانی با مردان خارجی عمدتاً مهاجر غیرقانونی در ایران بوده، به نظر می‌رسد که چاره‌ای جز درج عبارت ازدواج شرعی به جای ازدواج قانونی نبوده است، در غیر این صورت این ماده واحده نیز به سرنوشت مشابه ماده واحده مصوب ۱۳۸۵ دچار می‌شد.

با وجود صراحت قانون مبنی بر کفایت ازدواج شرعی، به موجب تبصره ۱ ماده ۳ آیین‌نامه: «احراز وقوع ازدواج‌هایی که از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون تا زمان انتشار این آیین‌نامه در روزنامه رسمی صورت گرفته، موکول به ارایه عقدنامه رسمی یا حکم قطعی مرجع قضایی مبنی بر احراز وقوع نکاح شرعی است. در مورد ازدواج‌هایی که پس از انتشار این آیین‌نامه واقع می‌شوند، تنها ازدواج ثبت‌شده ملاک تأیید تابعیت فرزندان متولد از این ازدواج‌ها خواهد بود».

بنابراین به نظر می‌رسد که آیین‌نامه در تعارض صریح با ماده واحده باشد و احتمالاً برای جلوگیری از مشکلات یادشده برای ازدواج‌های بعد از انتشار این آیین‌نامه، شرط ثبت ازدواج را الزامی نموده است؛ شرطی که بدون کسب مجوز ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی محقق نمی‌شود. حال پرسش این است که آیین‌نامه می‌تواند برخلاف قانون باشد و آیا این امر از موجبات نسخ این تبصره نزد دیوان عدالت اداری نخواهد بود؟ به موجب اصل ۱۷۰ قانون اساسی: «قضات دادگاه‌ها مکلفند از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین

۱۰. مجمع مشورتی حقوقی شورای نگهبان، لایحه اصلاح قانون تعیین تکلیف فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی به شماره ۹۸۰۳۰۱۲، (۱۳۹۸)، صص ۱۱-۱۲.

و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند و هرکس می‌تواند ابطال این‌گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند».

۲.۲. نداشتن مشکل امنیتی

نداشتن مشکل امنیتی عبارتی است که به دلیل ایرادهای شورای نگهبان در هنگام اولین بررسی مصوبه ماده واحده مصوب ۱۳۹۸ به آن وارد گردید. از نظر شورای نگهبان: «۱- عنوان اطلاق تابعیت در مواردی که خوف بروز مشکلات و مسائل امنیتی وجود داشته باشد، خلاف موازین شرع و بند ۵ اصل ۳ قانون اساسی (نفوذ اجانب) می‌باشد؛ ۲- اصل اعطای پروانه اقامت به پدر، نسبت به مواردی که خوف بروز و مشکلات و مسائل امنیتی وجود داشته باشد خلاف موازین شرع و بند ۵ اصل ۳ قانون اساسی (نفوذ اجانب) می‌باشد»^{۱۱}.

ایراد دوم شورای نگهبان از این امر ناشی می‌شود که هیچ ملاحظه‌ای در مورد امکان وجود مشکلات امنیتی برای پدر خارجی لحاظ نشده است. اینکه نیروی انتظامی به دادن اقامت بدون هیچ ملاحظه و قید و شرط قانونی و بدون استعلام قضایی و انتظامی، برای همه پدرانی که فرزندانشان تابعیت ایرانی گرفته‌اند، مکلف باشد، مغایر قانون اساسی و شرع است. «در حقیقت بسیاری از اتباع خارجی ممکن است جهت دریافت اقامت دائم در ایران اقدام به ازدواج با زنان ایرانی نمایند»^{۱۲}. از سویی، تعداد بسیاری از شهروندان خارجی بدون طی تشریفات به صورت قاچاق وارد کشور شده‌اند که جرم محسوب می‌گردد. الزام دولت به صدور پروانه اقامت برای افرادی که مسلم‌ترین قواعد ورود به خاک کشور را نقض کرده‌اند، پذیرفته نیست.

با وجود اصلاحات مجلس، شورای نگهبان بار دیگر بنابه دلایل امنیتی مصوبه را به مجلس بازگرداند و اعلام کرد که اطلاق اکتفا نمودن به نداشتن مشکل امنیتی شامل

11. <https://www.shora-gc.ir/fa/news/5894>

12. محمود، رضایی عامل، «اظهار نظر کارشناسی درباره لایحه اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی» (اعاده شده از شورای نگهبان ۲)، مورخ ۹۸/۷/۲

<http://rc.majlis.ir/fa/report/show/1285238>

مواردی می‌شود که در معرض فساد بوده، خلاف شرع باشد. با این توضیح که مرد خارجی ممکن است مشکلات اخلاقی و مذهبی داشته باشد، مثلاً متمایل به وهابیت باشد، یا مرد خارجی و فرزندش افراد فعال در مقابل مذهب امامیه باشند و اعطای تابعیت به این فرزند که در معرض فساد بوده، خلاف شرع است.^{۱۳} جهت تأمین نظر شورای نگهبان در تاریخ ۲ مهر ۱۳۹۸ مجلس شورای اسلامی، ضمن اصلاحیه‌ای علاوه بر تأیید وزارت اطلاعات، لزوم تأیید اطلاعات سپاه پاسداران را در راستای بند ۵ اصل سوم قانون اساسی اضافه نمود.

لازم به توضیح است، مطابق اصل سوم قانون اساسی، «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم همه امکانات خود را... به کار ببرد». در بند ۵ اصل «طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب» از وظایف دولت شمرده شده است. می‌توان این‌گونه برداشت نمود که از نظر شورای نگهبان اعطای تابعیت به فرزندان مشمول مصوبه، باعث نفوذ اجانب در کشور است و گرفتن تأییدیه از وزارت اطلاعات هم تضمین‌کننده جلوگیری از نفوذ اجانب نیست. درحالی که هدف این مصوبه تسری معیار نسب مادری برای اعطای تابعیت بوده، با تبعه تلقی شدن فرد به دلیل نسب مادری، دیگر بحث اجنبی بودن فرزند موضوعیت ندارد. نکته دیگر اینکه همین دغدغه درباره فرزندان متولد از پدران ایرانی هم قابل طرح است و تفاوتی در این زمینه بین نسب پدری و مادری وجود ندارد. افزون بر این، نداشتن مشکل امنیتی در خصوص اشخاص صغیر اصلاً موضوعیت ندارد؛ مگر اینکه به دلیل اعمال پدر، فرزند را از یک امتیاز محروم نماییم که خلاف اصل شخصی بودن مجازات‌ها است.

شایان ذکر است «عدم سوءپیشینه امنیتی» که اولین بار در نظام حقوقی ایران در تصویب ماده واحده مصوب سال ۱۳۸۵ مورد استفاده قرار گرفت، برخلاف «سوءپیشینه کیفی» واژه شایعی نبود و از تفسیر روشنی هم برخوردار نیست. تشخیص موارد یادشده در ماده واحده ۱۳۸۵ از سوی وزارت اطلاعات صورت می‌گرفت. به نظر می‌رسد که ورود شرط یادشده برای تأمین نگرانی‌های مراجع امنیتی صورت گرفته است تا به افرادی تابعیت ایران

۱۳. شهرزاد، همتی، «قانون اعطای تابعیت به فرزندان مادران ایرانی با پدران خارجی باز هم به مجلس برگشت داده شد». لایحه معلق، روزنامه شرق، مورخ ۹۸/۵/۲۰
<https://www.majiran.com/article/3945118>

داده نشود که نسبت به مقاصد و یا نیت سوء احتمالی پدر خارجی آن‌ها در ازدواج با زنان ایرانی تردید و گمان وجود داشته باشد. در زمان تصویب این ماده واحده نیز پیشنهاد حذف عدم سوءپیشینه امنیتی از سوی یکی از نمایندگان مطرح شد، با این استدلال که این مفهوم نامشخص است و از این گذشته اگر کسی دارای سوءپیشینه امنیتی باشد فرض بر این است که در دادگاه نیز بررسی می‌شود و این فرد دارای سوءپیشینه کیفری نیز خواهد شد؛ پیشنهاد حذفی که به تصویب نرسید.^{۱۴}

با وجود این، آنچه که در ماده واحده مصوب ۱۳۹۸ جایگزین این مفهوم شده است، نداشتن مشکل امنیتی است که به نظر می‌رسد از نظر واژگان متفاوت با عدم سوءپیشینه امنیتی است. اگر عدم سوءپیشینه امنیتی را بتوان موضوعی شخصی مشابه عدم سوءپیشینه کیفری دانست، در اینجا قانون‌گذار از مفهوم دیگری استفاده نموده است. این‌گونه به نظر می‌رسد که وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه نه به صورت شخصی، بلکه باید به صورت عام مسائل امنیتی را مد نظر قرار دهند؛ به این معنا که اگر به دلیل تعداد بالای درخواست‌ها، تابعیت می‌تواند به بروز مشکل امنیتی برای کشور منجر شود، بنابر مسائل امنیتی با درخواست تابعیت افراد مشمول ماده واحده مخالفت نمایند. همچنین این تفسیر با توجه به اینکه در ماده واحده ۱۳۹۸ دیگر به عدم سوءپیشینه کیفری اشاره نشده است، تقویت می‌گردد. گرچه مصادیق شخصی اعلامی از سوی شورای نگهبان در خصوص فرزند در معرض افساد چنین تفسیری را بعید می‌نماید.

البته دامنه اختیارات دستگاه‌های امنیتی وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران در مصوبه، بسیار وسیع‌تر از اعلام سوءپیشینه کیفری است که موضوعی کاملاً تعریف‌شده در قانون مجازات اسلامی است. تأکیدات مکرر قانون‌گذار در این ماده واحده بر استعلام امنیتی از وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه، احتمال موازی‌کاری در نهادهای اطلاعاتی را افزایش می‌دهد. مضافاً اینکه قانون‌گذار در ماده واحده جدید تکلیف را در صورت اختلاف نظر میان نهادهای امنیتی معین نکرده است. البته با توجه به لزوم اظهار

۱۴. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی در مورد تصویب طرح یک فوریتی تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی، مندرج در روزنامه رسمی به شماره ۱۷۹۴۳، مورخ ۸۵/۷/۱۰

نظر و تأیید عدم مشکل امنیتی از سوی هر دو نهاد، در صورت اختلاف نظر باید اصل را بر عدم تأیید دانست؛ امری که در اصلاحیه آیین‌نامه بر آن تأکید شده و منظور از مرجع امنیتی را هر دو نهاد امنیتی مندرج در قانون دانسته است. همچنین در صورت احراز مشکل امنیتی از سوی هر دو یا یکی از این نهادها، فرزند مشمول ماده واحده برای اعتراض، راهی در ماده واحده پیش‌بینی نشده بود.

به دلیل مشکل یادشده به موجب ماده ۷ آیین‌نامه: «در صورت اعلام صریح وجود مشکل امنیتی توسط مرجع امنیتی ظرف سه ماه، عدم موافقت به استناداری مربوط یا نمایندگی سیاسی و کنسولی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور اعلام می‌شود. پس از ابلاغ عدم موافقت توسط استناداری یا نمایندگی مذکور به متقاضی، وی حق دارد ظرف یک سال از تاریخ ابلاغ نسبت به اعلام نظر مرجع امنیتی اعتراض کند. مرجع امنیتی پس از دریافت اعتراض، دوباره به موضوع رسیدگی و حداکثر ظرف سه ماه اظهار نظر می‌کند». بنابراین امکان اعتراض به نظر مراجع امنیتی در آیین‌نامه پذیرفته شده است و مرجع اعتراض نیز خود مراجع امنیتی هستند. همچنین در ماده ۱۳ آیین‌نامه به صراحت تکلیف عدم ارسال پاسخ روشن از سوی مراجع امنیتی را نیز مشخص نموده و آن را به منزله فقدان مشکل امنیتی دانسته است.

با وجود این، در قسمت اخیر ماده ۱۳ آیین‌نامه اعلام شده است که در صورت اعلام صریح مشکل امنیتی از سوی مراجع امنیتی، رد درخواست از سوی استناداری به متقاضی ابلاغ می‌شود. این تصمیم ظرف یک سال از تاریخ ابلاغ آن به متقاضی در کمیسیون تابعیت وزارت کشور قابل تجدیدنظرخواهی خواهد بود. کمیسیون موظف است ظرف شش ماه در خصوص این درخواست، تصمیم‌گیری نهایی و نتیجه را به متقاضی ابلاغ کند و این تصمیم قطعی است. ماده ۱۳ آیین‌نامه ابهاماتی در خصوص امکان و مرجع اعتراض به اعلام نظر مراجع امنیتی ایجاد نمود که با تصویب آخرین اصلاح آیین‌نامه در شهریور ۱۳۹۹، به این ابهام‌ها پاسخ داده شد. به موجب این اصلاحیه در ماده ۱۳، پس از عبارت «تصمیم‌گیری نهایی و نتیجه» عبارت «بر اساس نظر مرجع امنیتی» اضافه می‌شود. در نتیجه، امکان اعتراض و مرجع اعتراض به تصمیم مراجع امنیتی همان مراجع امنیتی مندرج در ماده ۷

آیین‌نامه هستند و کمیسیون تابعیت باید بر اساس نظر مراجع امنیتی تصمیم‌گیری نماید و نمی‌تواند تصمیم مراجع امنیتی را نقض نماید. به‌منظور تأکید بر این امر در این اصلاحیه ماده ۸ آیین‌نامه نیز مورد اصلاح قرار گرفته و حق اعتراض متقاضی صرفاً محدود به موضوعات غیرامنیتی شده است.

۳.۲. عدم لزوم تولد در ایران

یکی از موارد مصوبه جدید، حذف شرط «مکان و زمان تولد» و شرط «اقامت» در ایران است. حذف این شروط و وابسته ندانستن موضوع اعطای تابعیت به لزوم تولد و اقامت در خاک ایران، موجب شمول تابعیت ایرانی به کلیه فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی که حتی در خاک ایران متولد نشده‌اند و خودشان یا مادرشان نیز در ایران زندگی نمی‌کنند، می‌شود. این درحالی است که آنچه وضعیت تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی را به یک مسئله تبدیل کرده، ناظر به مشکل بی‌هویتی فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی داخل ایران - و نه خارج از کشور - است.^{۱۵}

به‌نظر می‌رسد که قانون‌گذار ایرانی با حذف شرط تولد در ایران به‌دنبال پذیرفتن معیار خون‌صیرف از طریق نسبت مادری بوده است که به‌نوبه خود گام مثبتی در جهت همراهی با اسناد حقوق بشری تلقی می‌شود.^{۱۶} در حال حاضر اکثر کشورهای که سیستم اعطای تابعیت آن‌ها بر محور معیار خون است، انتقال تابعیت از هر دو طریق نسب پدری یا مادری را پذیرفته‌اند؛ برای نمونه می‌توان به قانون تابعیت آلمان اشاره کرد که ترکیبی از معیارهای خون و خاک را مورد پذیرش قرار داده است. صرف‌نظر از معیار خاک، تابعیت از طریق نسب پدری یا مادری آلمانی به کودک منتقل می‌شود. هر شخص متولد از یکی از والدین آلمانی،

15. <http://dotic.ir/news/2936>

۱۶. به‌موجب ماده ۲ کنوانسیون کاهش بی‌تابعیتی ۱۹۶۱، دولت‌های عضو متعهد می‌شوند که به کودکی که در سرزمین دولتی بر اثر ازدواج قانونی متولد شده باشد و مادر کودک تابعیت دولت طرف کنوانسیون را داشته باشد، تابعیت کشور خود را بدهد. همچنین به‌موجب بند ۲ ماده ۹ کنوانسیون منع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان نیز دولت‌های عضو متعهد شده‌اند که به زنان حقوق برابر با مردان در خصوص تابعیت فرزندانشان اعطا نمایند.

یک تبعه آلمانی محسوب می‌شود.^{۱۷} همچنین در نظام حقوقی فرانسه به موجب ماده ۱۸ قانون مدنی فرانسه، اصلاحی ۴ جولای ۲۰۰۵، هر کودکی که از یک پدر یا مادر فرانسوی متولد می‌شود، فرانسوی است.^{۱۸} در انگلستان تابعیت از طریق معیار خاک اعطا می‌گردد؛ یعنی افرادی که از اول ژانویه ۱۹۸۳ از یکی از والدین بریتانیایی در بریتانیا متولد شده‌اند، بریتانیایی محسوب می‌شوند. با وجود این، تابعیت بریتانیا تا یک نسل به فرزندان متولد از یکی از والدین بریتانیایی در خارج از انگلستان هم تسری می‌یابد و در این خصوص تفاوتی بین نسب مادری و پدری وجود ندارد.^{۱۹}

این عدم تبعیض در ماده ۹ قانون تابعیت جدید افغانستان نیز به چشم می‌خورد. به موجب این ماده، شخصی که در قلمرو جمهوری افغانستان یا خارج از آن از والدینی که تابعیت افغانستان را داشته باشند، متولد گردد، تبعه افغانستان محسوب می‌شود. بنابراین همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در قوانین تابعیت آلمان، فرانسه و افغانستان که همانند نظام حقوقی ایران در وهله اول از معیار خون در اعطای تابعیت استفاده می‌نماید، تفاوتی در انتقال تابعیت از طریق نسب پدری یا مادری وجود ندارد و برای نسب پدری اولویتی قائل نشده‌اند.

در واقع با این گام قانون‌گذار ایران تا حد زیادی تبعیض موجود در بند ۲ ماده ۹۷۶ تعدیل می‌شود،^{۲۰} اما با لحاظ آثار تابعیت اعطایی به موجب این ماده واحده و عدم حذف بند ۴

۱۷. با وجود این، تابعیت آلمانی به کودکان متولد شده در خارج از آلمان از یکی از والدین آلمانی که خود نیز بعد از دسامبر ۱۹۹۹ در خارج از آلمان متولد شده‌اند و اقامت اصلی در آلمان ندارند، انتقال نمی‌یابد. چنین کودکی به‌طور قهری از بدو تولد آلمانی محسوب نمی‌شود، اما یکی از والدین آلمانی می‌تواند با ثبت تولد کودک در کنسولگری‌های آلمان ظرف یک سال از تولد وی، برای کودک درخواست تابعیت آلمانی نماید. البته این محدودیت درجایی که کودک در غیر این صورت بی‌تابعیت خواهد شد و یا یکی از والدین آلمانی وی متولد ۳۱ دسامبر ۱۹۹۹ یا قبل از آن باشند، اعمال نخواهد شد.

Amt, Auswärtiges, "Federal Foreign Office- Obtaining German Citizenship", www.germany.info. Retrieved 23 June 2019.

۱۸. به موجب بند یک ماده ۱۸ قانون مدنی فرانسه، اگر تنها یکی از والدین فرانسوی باشند و کودک در فرانسه متولد نشده باشد، می‌تواند ظرف شش ماه قبل و یا دوازده ماه بعد از رسیدن به سن رشد (بلوغ)، تابعیت فرانسوی خود را رد نماید. چنین اختیاری در صورتی که یکی از والدین غیرفرانسوی کودک در زمان طفولیت وی تابعیت فرانسوی به‌دست آورده باشد، از بین خواهد رفت.

TITLE I bis OF FRENCH NATIONALITY Articles 17 to 33-2, <http://www.legifrance.gouv.fr/> 19. Types of British Nationality, <https://www.gov.uk>

۲۰. حتی در صورت پذیرش تبعیض هم می‌توان با استناد به راهکارهایی مانند نسخ عقلی و یا نسخ نقلی احکام شرعی معارض با اندیشه حقوق بشر این تعارض بین احکام شرعی و اندیشه حقوق بشر را مرتفع نمود. برای اطلاع بیشتر در رابطه با دیدگاه‌های اندیشمندان اسلامی راجع به اصل منع تبعیض، ر. ک. حمید، انصاری، رضا، نیکخواه سرنقی و سیدمهدی، صالحی «مطالعه دیدگاه‌های اندیشمندان اسلامی راجع به اصل منع تبعیض» مطالعات حقوقی معاصر، ش ۲۰ (۱۳۹۹)، ص. ۲۱.

۴ ماده ۹۷۶، همچنان مشکل تعارض و تناقص و تبعیض در قوانین تابعیت ایران باقی مانده است.

۳. آثار اعطای تابعیت ماده واحده مصوب ۱۳۹۸

۳.۱. تابعیت اصلی یا اکتسابی

به موجب بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی: «۴. کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده به وجود آمده‌اند؛...» تابعیت ایران دارند. به موجب بند ۴ که به خارجی بودن مادر تصریح نموده است، این ادعا وجود دارد که اگر فرزند تولد یافته از مادر خارجی می‌تواند از تابعیت اصلی ایران به موجب این بند بهره‌مند گردد، به طریق اولی فرزند متولد از مادر ایرانی هم مشمول این بند می‌شود.^{۲۱} در واقع، این تفسیر جهت جلوگیری از نتیجه غیرمنطقی این بند صورت گرفته است، زیرا به موجب این بند، طفل متولد در ایران از مادر خارجی را ایرانی می‌دانیم، اما کودک متولد شده از مادر ایرانی در ایران را ایرانی نمی‌دانیم.

در این خصوص چندین بار از اداره حقوقی وزارت دادگستری کسب نظر مشورتی شده است. در اکثر این نظریات مشورتی^{۲۲}، اعم از قبل و بعد از انقلاب، تصریح شده است که اگر مادر ایرانی طفل در ایران متولد شده باشد، با توجه به وحدت مناط مندرج در این بند، این کودک ایرانی محسوب می‌شود. در عمل، ادارات ثبت احوال در شهرهای مختلف رویه‌های معارضی در این باره به کار بردند، به طوری که در اکثر نقاط کشور به فرزندان متولد از مادر ایرانی در ایران شناسنامه ایرانی تعلق نمی‌گرفت و آنها مشمول بند ۴ نمی‌شدند. عمده دلیل این رویه، اصلاح ماده ۴۵ قانون ثبت احوال و اضافه شدن تبصره‌ای به آن در سال ۱۳۶۴ بود.^{۲۳} به موجب ماده ۴۵ اصلاحی: «هرگاه هویت و تابعیت افراد مورد تردید واقع گردد و مدارک لازم جهت اثبات آن ارائه نشود مراتب برای اثبات هویت به مراجع انتظامی و برای

۲۱. محمود، سلجوقی، *بایسته‌های حقوق بین الملل خصوصی*، (تهران: میزان، ۱۳، ۱۳۹۱)، ص ۸۲.

۲۲. نظر مشورتی شماره ۲۸۰۷، مورخ ۱۳۵۳/۶/۶؛ نظر مشورتی شماره ۷/۵۲۰۷، مورخ ۶۱/۱۰/۱۳.

۲۳. ستار، عزیزی و بیژن، حاجی عزیزی، «بررسی جایگاه مادر ایرانی در انتقال تابعیت به طفل: نقدی بر ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران و ماده واحده سال ۱۳۸۵»، *مجله تحقیقات حقوقی*، ش ۵۶ (۱۳۹۰)، ص ۳۴۶.

اثبات تابعیت به شورای تأمین شهرستان ارجاع و در صورت تأیید طبق مقررات اقدام خواهد شد.^{۲۴} به همین دلیل و با توجه به تعداد بالای فرزندان این افراد (بنابر اعلام برخی مراجع، ۱۲۰ هزار نفر)^{۲۴}، این معضل به‌ویژه در استان‌های مرزی و مهاجرنشین بیش‌ازپیش شدت گرفت. به همین دلیل، قانون‌گذار در آبان ۱۳۸۵ ماده واحده‌ای برای اعطای تابعیت به این فرزندان تصویب نمود. در واقع با تصویب این ماده محرز گردید که این افراد مشمول هیچ‌یک از بندهای ماده ۹۷۶ نخواهند شد.^{۲۵}

لایحه ماده واحده سال ۱۳۸۵ در آغاز گرچه با هدف تسهیل اعطای تابعیت و نسخ دو بند ۴ و ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی مطرح شده بود، اما در نهایت، بدون نسخ دو بند مسئله‌ساز ماده ۹۷۶ و به شکل ماده واحده‌ای مستقل به تصویب رسید. این ماده واحده با ارائه شروط فراوان جهت اعطای تابعیت به فرزندان متولد از مادر ایرانی و پدر خارجی، درنهایت نتوانست هدف اولیه را محقق سازد و حتی شرایط را برای این فرزندان سخت‌تر نمود؛ به طوری که طی سرشماری وزارت رفاه در سال ۱۳۹۶ طی چهل روز حدود ۲۵ هزار پیامک از سوی زنان ایرانی با کد ملی مشخص دریافت گردید که حاکی از ازدواج آنان با مرد خارجی در ایران و داشتن فرزندی بی‌تابعیت حاصل از این ازدواج در ایران بود. خانواده‌هایی که عمدتاً در دهک‌های پایین اقتصادی جامعه قرار داشتند. میانگین سنی فرزندان این خانواده‌ها حدود ۱۵ سال بود که نشان از زنگ خطری برای جامعه ایران دارد، زیرا این افراد بی‌تابعیت در آینده نه چندان دور ازدواج و فرزندان بی‌تابعیت جدیدی را به جمعیت ایران اضافه خواهند نمود.^{۲۶}

بنابراین یکی از اهداف اولیه ماده واحده ۱۳۹۸، گسترش دامنه معیار خون بود. بنابه گفته معاون حقوقی رئیس‌جمهور، با تصویب این لایحه «... دامنه شمول ماده ۹۷۶ قانون مدنی در اعطای تابعیت از طریق سیستم خون، به فرزندان مادران ایرانی توسعه یافته است... قانون جدید به‌نوعی ماده ۹۷۶ قانون مدنی را اصلاح کرده است، زیرا در این ماده تابعیت بر اساس سیستم خون از جانب مرد است...»^{۲۷}. البته با کمی مذاقه در متن ماده واحده مشخص

۲۴. همان، ص ۳۴۹.

۲۵. بتول، سلیمی‌منش، «نگاهی به لایحه اعطای تابعیت به فرزندان با مادران ایرانی»، روزنامه کیهان، مورخ ۹۷/۱۰/۳.

<https://www.kayhan.ir/fa/news/150428>

۲۶. <http://www.pana.ir/news/914248>

۲۷. dolat.ir/detail/322266

می‌شود با اینکه هدف اولیه طرح این لایحه، اعطای تابعیت اصلی از نسب مادری بوده، اما آنچه که در نهایت به تصویب مجلس رسید، تابعیت اکتسابی است، نه اصلی^{۲۸}. به موجب ماده واحده، فرزند مادر ایرانی و پدر خارجی به محض تولد، ایرانی محسوب نمی‌شود، بلکه مادر باید درخواست اخذ تابعیت فرزند را بدهد^{۲۹}.

دلیل دیگر بر اکتسابی بودن تابعیت این فرزندان این است که به صرف درخواست مادر نیز به این افراد تابعیت ایرانی اعطا نمی‌شود، بلکه اعطای تابعیت منوط به احراز نبود مشکل امنیتی از سوی نهادهای امنیتی است؛ بنابراین در صورت احراز مشکل امنیتی به این افراد تابعیت ایرانی اعطا نمی‌گردد. همچنان در تمام متن ماده واحده صحبت از پذیرفته شدن به تابعیت ایران است، در حالی که در ماده ۹۷۶ قانون مدنی افراد مشمول بندهای ۲ و ۳ و ۴ به محض تولد دارای تابعیت ایرانی خواهند بود. در نتیجه، تابعیت مد نظر ماده واحده، تابعیت اکتسابی است و نه اصلی.

علاوه بر محرومیت‌هایی که به موجب ماده ۹۸۲ قانون مدنی برای دارندگان تابعیت اکتسابی وجود دارد، با عدم اصلاح ماده ۹۷۶ قانون مدنی و به‌ویژه حفظ بند ۴ این ماده، این پرسش جدی هنوز پابرجا باقی خواهد بود که چگونه ممکن است فرزند متولد از پدر و مادر خارجی در ایران که یکی از آن‌ها در ایران متولد شده، از تابعیت اصلی برخوردار باشد، اما فرزند متولد از مادر ایرانی به دنیا آمده در ایران، از تابعیت اکتسابی برخوردار باشد؟

۲.۳. تابعیت مضاعف افراد مشمول ماده واحده سال ۱۳۹۸

یکی از شرایط اصلی اعطای تابعیت ایرانی به فرزندان موضوع متن ماده واحده سال ۱۳۸۵، ردّ تابعیت غیرایرانی آنها بود. این افراد برای اخذ تابعیت باید به کشور پدری خود مراجعه و مدرکی دال بر ترک تابعیت پدری ارائه می‌کردند، اما در مصوبه جدید، این مقرر حذف شد و فرزندان مادران ایرانی دیگر نیازی به سلب تابعیت پیشین خود از طریق پدر

۲۸. تابعیت اصلی یا مبدأ، تابعیتی است که از بدو تولد به طریقی به طفل تحمیل شده باشد. این نوع تابعیت مبتنی بر دو سیستم خون یا نسبی و سیستم خاک یا محل تولد است. با وجود این، دولت‌ها ممکن است با توجه به ملاحظات جمعیتی، اقتصادی، فرهنگی، مذهبی و اجتماعی و بر اساس شرایطی که لازم بدانند تابعیت اکتسابی را حسب تقاضای افراد به آن‌ها اعطا نمایند. نصرالله، ابراهیمی، حقوق بین‌الملل خصوصی (تهران: سمت، ج ۶، ۱۳۹۴)، صص ۸۸ و ۱۰۷.

۲۹. مهسا، قوی‌قلب، «بی‌شناسنامه‌ها در پیچ و خم کسب تابعیت»، مورخ ۹۸/۴/۵. <http://www.ion.ir/news/4740671>

ندارند. حذف مقررۀ ردّ تابعیت غیرایرانی، به رشد پدیدۀ افراد دارای تابعیت مضاعف^{۳۰} در ایران منجر می‌شود.^{۳۱}

در خصوص احتمال تابعیت مضاعف فرزندان مشمول این ماده باید به این مهم نیز توجه شود که اعطای تابعیت یک امر حقوقی- سیاسی بوده، هیچ دولتی ارادۀ حاکمیتی خود را موکول به ارادۀ دولت دیگر نمی‌کند، بلکه بر اساس ضوابط خود تابعیت اعطا می‌نماید. نکته دیگر اینکه با توجه به قید ازدواج شرعی در ماده واحده، به نظر می‌رسد که اکثر این ازدواج‌ها در نظام حقوقی کشور متبوع شوهر خارجی نیز به رسمیت شناخته نمی‌شود تا در پی آن، تابعیت پدر به فرزند حاصل از این ازدواج تسری یابد.

افزون بر این، همان‌گونه که احتمال تابعیت مضاعف فرزند متولد از زن ایرانی و شوهر خارجی وجود دارد، احتمال تابعیت مضاعف فرزند متولد از شوهر ایرانی و زن خارجی نیز وجود دارد؛ به طوری که در قوانین اکثر کشورها مانند فرانسه، آلمان و افغانستان انتقال تابعیت از طریق نسب مادری صرف‌نظر از تابعیت پدر، به رسمیت شناخته شده است. به نظر می‌رسد امروزه تابعیت مضاعف واقعیتی گریزناپذیر در عرصۀ روابط بین‌المللی است. برای مثال، قوانین امریکا هیچ اشاره‌ای به تابعیت مضاعف نداشته و هیچ منع و یا محدودیتی را نیز مقرر نکرده است. بنابراین اتباع امریکایی می‌توانند بدون ترس ازدست دادن تابعیت امریکایی خود، تابعیت کشور دیگری را نیز اکتساب نمایند.^{۳۲} همچنین در قوانین بریتانیا نیز تابعیت مضاعف برای اتباع این کشور به رسمیت شناخته شده است.^{۳۳} در قوانین کشور آلمان نیز تحت شرایطی تابعیت مضاعف پذیرفته شده است.^{۳۴}

با توجه به گسترش مهاجرت‌های بین‌المللی، ازدواج‌های فراملی بین اتباع کشورهای

30. Multiple Nationality or Dual Nationality

۳۱. محسن، مناجی، «خط نفوذ و لایحه اعطای تابعیت به فرزندان مادران ایرانی و پدران خارجی»، مورخ ۹۸/۴/۸
<https://www.mashreghnews.ir/amp/970775>

32. <https://travel.state.gov/content/travel/en/legal/travel-legal-considerations/Advice-about-Possible-Loss-of-US-Nationality-Dual-Nationality/Dual-Nationality.html>

33. <https://www.gov.uk/dual-citizenship>

34. Jon, Dobbernack, Citizenship, Nationality and Immigration in Germany, Global Centre for Pluralism: Accounting for Change in Diverse Societies, 2017 at: <https://www.researchgate.net/publication/316788135>.

مختلف افزایش یافته است. در نتیجه، احتمال تولد فرزندان متولد از پدران و مادران دارای تابعیت متفاوت نیز بیشتر خواهد شد. با توجه به اینکه در اعطای تابعیت در قوانین اکثر کشورها تفاوتی بین نسب مادری و پدری مشاهده نمی‌شود، نمی‌توان این ایراد را به ماده واحده جدید وارد آورد که به توسعه تابعیت مضاعف افراد منجر می‌شود.

۴. تبصره‌های ماده واحده سال ۱۳۹۸

۴.۱. تبصره ۱ ماده واحده ۱۳۹۸

به موجب تبصره ۱ ماده واحده ۱۳۹۸: «در صورتی که پدر و یا مادر متقاضی در قید حیات نبوده و یا در دسترس نباشند، در صورت ابهام در احراز نسب متقاضی، احراز نسب با دادگاه صالح می‌باشد». ماده ۵ آیین‌نامه نیز با تکمیل این ماده، تعلق فرزند مشمول این قانون به مادر ایرانی را به موجب گواهی (تولد) معتبر بیمارستان و یا به موجب رأی مرجع قضایی دانسته است.

در مصوبه جدید، با وجود ادله پزشکی جهت احراز نسب و اثبات رابطه مادر ایرانی با فرزند، مانند آزمایش دی ان ای یا شیوه قابل اتکای دیگر، هیچ‌گونه قید و شرطی ارائه نشده و صرفاً احراز نسب با گواهی تولد و ارائه شاهد در دادگاه برعهده قاضی نهاده شده است. این دلالت بر این معنا دارد که صرفاً کافی است ادعایی در این خصوص مطرح شود و به واسطه شهادت دو تن مورد تأیید قرار گیرد تا فرد مشمول این قانون شناخته شده، تابعیت ایرانی دریافت کند. اتفاق قابل حدس، تشکیل صف‌های عریض و طویل برای دریافت تابعیت ایرانی با عنایت به گواهی شاهد است که کار سهل و آسانی می‌باشد.^{۳۵}

از سویی، اگرچه به موجب رأی وحدت رویه شماره ۶۱۷ مورخ ۴ خرداد ۱۳۷۶، پدر ایرانی مکلف به اخذ شناسنامه برای فرزند طبیعی خود بوده و صرفاً رابطه توارث بین آنها منتفی است و مجوز اخذ شناسنامه برای طفل ناشی از روابط نامشروع به معنی پذیرش تابعیت ایرانی طفل است، چراکه شناسنامه ایرانی به‌عنوان سند تابعیت برای ایرانیان صادر می‌شود. اما با عنایت به صدر مصوبه و اشاره به ازدواج شرعی، فرزند حاصل از ازدواج زن ایرانی با

مرد خارجی حتما باید مشروع باشد، در غیر این صورت، حقی طبق این قانون نخواهد داشت. در واقع، قانون جدید تکلیف فرزندان نامشروع را مشخص نکرده است.

۲.۴. تبصره ۲ ماده واحده ۱۳۹۸

به موجب تبصره ۲ ماده واحده ۱۳۹۸: «افراد فاقد تابعیتی که خود و حداقل یکی از والدین‌شان در ایران متولد شده باشند، می‌توانند پس از رسیدن به سن هجده سال تمام شمسی، تابعیت ایرانی را تقاضا کنند که در صورت نداشتن سوءپیشینه کیفری و نیز نداشتن مشکل امنیتی (به تشخیص وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند».

آیا قانون‌گذار به‌طور کلی به افراد فاقد تابعیت توجه داشته است؟ به عبارت دیگر در ماده اصلی افراد فاقد تابعیت متولد از مادر ایرانی را مد نظر داشته و در تبصره دوم افراد فاقد تابعیت متولد از والدین خارجی که یکی از آن‌ها در ایران به دنیا آمده را مد نظر قرار داده است. در صورت پاسخ مثبت به این پرسش باید گفت که ماده واحده فقط شامل آن دسته از فرزندان متولد از مادر ایرانی می‌شود که بی‌تابعیت هستند؛ به این ترتیب، آن دسته از فرزندان متولد از مادر ایرانی که از تابعیت کشور دیگری برخوردار شده‌اند، نمی‌توانند از مزایای این قانون بهره‌مند شوند. نتیجه چنین تفسیری این است که جلوی تابعیت مضاعف این افراد گرفته خواهد شد.

اما پاسخ منفی به پرسش یادشده این ایراد را متوجه قانون‌گذار خواهد کرد که چرا مشمولان تبصره ماده واحده با خود ماده واحده متفاوت هستند؟ به علاوه برخلاف بند ۴ ماده ۹۷۶، شخص به محض تولد، ایرانی محسوب نمی‌شود و باید درخواست تابعیت بدهد. واژه‌های «درخواست»، «تقاضا»، «می‌توانند» و «پذیرفته شدن» بعد از ۱۸ سالگی در متن تبصره، جملگی حکایت از تابعیت اکتسابی دارند. در این صورت، رابطه این تبصره با بند ۴ ماده ۹۷۶ مشخص نیست، زیرا به موجب بند ۴ ماده ۹۷۶، مشمولان بند ۴ در صورت تولد در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آن‌ها متولد ایران باشد، به محض تولد تابعیت اصلی ایرانی خواهند داشت؛ در حالی که مشمولان این تبصره که افراد بی‌تابعیت هم هستند بعد از

۱۸ سالگی در صورت نداشتن سوءپیشینه کیفری و امنیتی می‌توانند درخواست تابعیت دهند. بنابراین، فرزندان مشمول قانون جدید با تابعیت اکتسابی خود، عملاً بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی را از دست خواهند داد، بدون اینکه به صراحت این بند از ماده ۹۷۶ نسخ شده باشد.

از سویی، به نظر می‌رسد اطلاق قانون در نداشتن سوءپیشینه کیفری به این معنی باشد که داشتن هرگونه سوءپیشینه کیفری مانع تحصیل تابعیت است. این درحالی است که متقاضی تحصیل تابعیت ایران بر اساس ماده ۹۷۹ قانون مدنی، صرفاً کافی است که محکوم به جنحه مهم یا جنایت غیرسیاسی نشده باشد تا بتواند تابعیت ایران را تحصیل نماید. بنابراین ملاحظه می‌شود که قانون‌گذار شرایط دشوارتری را برای کسب تابعیت مشمولان تبصره در قیاس با سایر متقاضیان تابعیت ایران منظور نموده است.

نتیجه

با وجود ایرادهای وارده به ماده واحد مصوب سال ۱۳۹۸، این قانون به نوبه خود می‌تواند تا حد زیادی هدف اولیه خود را محقق سازد که همان اعطای تابعیت به فرزندان ناشی از ازدواج شرعی زنان ایرانی با مردان خارجی است که اقامت غیرقانونی در ایران دارند. اما هنگامی که این ماده واحد در کنار بند ۴ ماده ۹۷۶ گذاشته می‌شود، تناقض‌های آشکاری ایجاد می‌گردد. به طوری که فرزند متولد از مادر ایرانی در ایران در صورت نداشتن مشکل امنیتی، تابعیت اکتسابی ایرانی خواهد داشت، اما فرزند متولد از والدین خارجی در ایران از بدو تولد تابعیت اصلی ایرانی دارد.

همچنین این ماده واحد تکلیف ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی را روشن نکرده است، اینکه فرزند حاصل از ازدواج شرعی زن ایرانی با مرد خارجی بتواند تابعیت ایرانی کسب کند و برای مرد خارجی هم به استناد این ازدواج پروانه اقامت صادر گردد، آیا دیگر دلیلی برای اجرای ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی و کسب مجوز وزارت کشور جهت پروانه ازدواج وجود دارد؟ امری که تبصره ۱ ماده ۳ آیین‌نامه به آن توجه کرده و برای ازدواج‌های بعد از انتشار این آیین‌نامه شرط ثبت ازدواج را الزام نموده است که البته چالش‌های حقوقی جدیدی از جهت تعارض آیین‌نامه با قانون را ایجاد می‌نماید.

مورد دیگر عدم توجه به ماده ۹۸۷ قانون مدنی در تحمیل تابعیت شوهر خارجی به زن ایرانی در صورت کسب مجوز وزارت کشور و صدور پروانه ازدواج است. در این صورت، حتی قانون ایران نیز این زن را بعد از ازدواج دیگر ایرانی نخواهد شناخت. بنابراین مشخص نیست که آیا فرزند حاصل از ازدواج قانونی زن ایرانی با مرد خارجی می‌تواند از مزایای این ماده واحد بهره‌مند گردد؟

اعطای تابعیت به این حجم عظیم کودکان اکثراً بی‌تابعیت، از بدو تولد به درخواست مادر و پس از ۱۸ سالگی بنا به درخواست خود، گامی مثبت جهت کاهش آسیب‌ها و مشکلات آنان خواهد بود. اما از سویی، به دلیل عدم شفافیت و فقدان تعریف قانونی از مشکل امنیتی و دامنه اختیارات بی‌حدوخصر نهادهای امنیتی مشکلات بی‌شماری ایجاد خواهد شد. باید پذیرفته شود که پذیرش تساوی نقش نسب پدر و مادر در اعطای تابعیت به کودکان، هیچ‌گونه منافاتی با مقررات فقهی و شرعی ندارد، زیرا در احکام فقهی هیچ‌گونه مقرراتی در خصوص تابعیت وجود ندارد و نمی‌توان احکام شرعی مربوط به نسب را در تابعیت وارد دانست.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

– کتابها

۱. ابراهیمی، نصرالله، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، (تهران: سمت، چ ۶، ۱۳۹۴).
۲. سلجوقی، محمود، *بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی*، (تهران: میزان، چ ۱۳، ۱۳۹۱).
۳. صفایی، حسین و امامی، اسدالله، *مختصر حقوق خانواده*، (تهران: میزان، چ ۳۵، ۱۳۹۲).
۴. کاتوزیان، ناصر، *دوره حقوق مدنی: خانواده*، ج ۱، (تهران: میزان، چ ۱۴، ۱۳۹۴).

– مقالات

۵. انصاری، حمید، نیکخواه سرنقی، رضا و صالحی، سیدمهدی «مطالعه دیدگاه‌های اندیشمندان اسلامی راجع به اصل منع تبعیض»، *مطالعات حقوقی معاصر*، ش ۲۰ (۱۳۹۹).
۶. بداعی، فاطمه و عباسی، عاطفه، «حق تابعیت اطفال حاصل از ازدواج زنان ایرانی و مرد خارجی»، *فصلنامه علمی-ترویجی فقه و حقوق خانواده* (ندای صادق)، ش ۵۱ (۱۳۸۸).
۷. توسلی نائینی، منوچهر، «تأملی بر وضعیت کودکان حاصل از ازدواج مردان خارجی با زنان ایرانی با نگاهی به کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹»، *پژوهشنامه حقوقی*، ش ۱ (۱۳۹۰).
۸. عزیزی، ستار و حاجی عزیزی، بیژن، «بررسی جایگاه مادر ایرانی در انتقال تابعیت به طفل: نقدی بر ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران و ماده واحده سال ۱۳۸۵»، *مجله تحقیقات حقوقی*، ش ۵۶ (۱۳۹۰).
۹. فدوی، سلیمان، «نقدی بر قانون ماده واحده تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۸۵/۷/۲»، *ماهنامه کانون سردفتران و دفتریاران*، سال ۴۸، ش ۶۷ (۱۳۸۵).
۱۰. وحدتی شبیری، سید حسن و افشار قوچانی، زهره، «تعیین وضعیت حقوقی فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی»، *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، ش ۴ (۱۳۹۳).

– اسناد

۱۱. مجمع مشورتی حقوقی شورای نگهبان (۱۳۹۸)، *لایحه اصلاح قانون تعیین تکلیف فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی*، مورخ ۹۸/۳/۱۲.
۱۲. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی در مورد تصویب طرح یک‌فوریتی تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مندرج در روزنامه رسمی، ش ۱۷۹۴۳، مورخ ۱۳۸۵/۷/۱۰.

۱۳. نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه شماره ۳۸۰۷، مورخ ۵۳/۶/۶.

۱۴. نظریه مشورتی شماره ۷/۵۳۰۷، مورخ ۶۱/۱۰/۱۳.

– سایتها

۱۵. رضایی عامل، محمود، اظهار نظر کارشناسی درباره «لایحه اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی (اعاده شده از شورای نگهبان (۲)، مورخ ۹۸/۷/۲»

<http://rc.majlis.ir/fa/report/show/1285238> (Last visited 4/09/2020)

۱۶. سلیمی منش، بتول، «نگاهی به لایحه اعطای تابعیت به فرزندان با مادران ایرانی»، روزنامه کیهان، مورخ ۹۷/۱۰/۳ <https://www.kayhan.ir/fa/news/150428>

نگاهی به لایحه اعطای تابعیت به فرزندان با مادران ایرانی (Last visited 4/09/2020)

۱۷. علیزاده، سمانه، «اما و اگرهای تابعیت مادرانه»، روزنامه رسالت، مورخ ۹۸/۴/۲۶

<https://resalat-news.com/?> (Last visited 4/09/2020)

۱۸. قوی قلب، مهسا، «بی شناسنامهها در پیچ و خم کسب تابعیت»، مورخ ۹۸/۳/۵

<http://www.ion.ir/news/474067/> پیچ و خم کسب تابعیت (Last visited 4/9/2020)

۱۹. متاجی، محسن، «خط نفوذ و لایحه اعطای تابعیت به فرزندان مادران ایرانی و پدران خارجی»، مورخ ۹۸/۴/۸

<https://www.mashregnews.ir/amp/970775> (Last visited 4/09/2020)

۲۰. همتی، شهرزاد، «قانون اعطای تابعیت به فرزندان مادران ایرانی با پدران خارجی باز هم به مجلس برگشت داده شد»، لایحه معلق، روزنامه شرق، مورخ ۹۸/۵/۲۰

<https://www.magiran.com/article/3945118> (Last visited 4/09/2020)

۲۱. اظهار نظر کارشناسی درباره «لایحه اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی»، مورخ ۹۸/۲/۲۱

<http://dotic.ir/news/2936> (Last visited 4/09/2020)

۲۲. «دایره شمول اعطای تابعیت از طریق خون در قانون جدید شامل پدر و مادر می‌شود» مورخ ۹۸/۲/۲۴

<https://www.dolat.ir/detail/322266> (Last visited 4/09/2020)

۲۳. «نظر شورای نگهبان درباره لایحه اصلاح قانون تعیین تکلیف فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی»

<https://www.shora-gc.ir/fa/news/5894> (Last visited 4/09/2020)

(ب) انگلیسی

- Sites

24. Amt, Auswärtiges. “*Federal Foreign Office - Obtaining German Citizenship*” www.germany.info. Retrieved 23 June 2019. <https://www.germany.info>. (Last visited 4/03/2020)
25. Dobbernack, Jan, “*Citizenship, Nationality and Immigration in Germany, Global Centre for Pluralism: Accounting for Change in Diverse Societies*”, 2017 at: <https://www.researchgate.net/publication/316788135>.
26. **TITLE I bis OF FRENCH NATIONALITY Articles 17 to 33-2** <https://www.legifrance.gouv.fr/> (Last visited 4/03/2020)
27. **Types of British Nationality** <https://www.gov.uk> (Last visited 4/03/2020)
28. <https://travel.state.gov/content/travel/en/legal/travel-legal-considerations/Advice-about-Possible-Loss-of-US-Nationality-Dual-Nationality/Dual-Nationality.html> (Last visited 4/03/2020)